

# قدروانی عامل بزرگ تحرک اجتماع

جمله‌های کوچک تحسین آمیز شما ممکن است چرخهای فرسوده اجتماع را بحرکت درآورد و بهکس « ایراد - گیریهایی » بیجاوی اعتنائی به شخصیت افراد روح ابتکار و نبوغ را در اجتماع می‌کشد!

بسال مقصود برسد .  
چونکه انسان خودخواه است به ابتکارات و آثار و محصولات ذوقی و فکری خود نیز بشدت عشق میورزد و لذا تشویق و سپاس اساسی‌ترین عامل محرک افراد و یکی از ضروری‌ترین مسائل اجتماعی است: قدر - دانی در عین حال که ساده‌ترین و ارزان‌ترین دارو است ، دارای آنچنان اثر و نیروی اعجاب انگیزی است که میتواند بنظام فرسوده و خواب‌آلود جامعه حیات تازه‌ای ببخشد ، و چرخهای آنرا برای فعالیتهای نوین زندگی بگردش درآورد

همانطوریکه انسان برای زنده بودن نیازمندیهائی دارد و پیوسته بخاطر رفع آنها تکاپو و فعالیت می - کند ، روح نیز تمنیاتی دارد که می‌بایست ارضاء گردد ، تمنیات و خواهشیهائی که دست آفرینش بذر آنها را در اعماق روح بشر افشاند است . روان تشنه ستایش و تحسین است ، و بدنبال ارضاء همین تقاضای درونی هر کس با اشتیاق و علاقه هر چه تمامتر میل دارد اعمال و رفتارش مورد موافقت جامعه قرار گیرد ، و بشایستگی او را بستانند ، تا بدینوسیله شخصیتش تثبیت گردد و کشتی میل و آرزویش

برای ارضاء نیازهای روانی و کسب موفقیت در زندگی اجتماعی بر راههای انحرافی متمایل کردند و شیادی و مکر و فریب ، جای کمالات روحی و فضائل انسانی را بگیرد .

يك جمله تحسین آمیز تأثیر عمیقی در روحیه انسان میبخشد و ممکن است بادگر گونی و تحول روحی ناشی از آن ، تمام عمر خویش را صرف مساعی و کوششهای دامنه دار برای کسب پیروزی و موفقیت کند ، بسیارند کسانی که ترقیات و پیشرفتهای خود را مدیون تحسین و قدردانی افراد بزرگ میدانند ، واگر تحسین آنها نبود ، هرگز از نردبان ترقی بالا نمیرفتند .

\* \* \*

در میان ملل پیشرفته جهان برای بزرگداشت شخصیت‌های بارز و ممتاز اهمیت خاصی فائزند ؛ و این موضوع بصورت‌های گوناگونی انجام میگردد . در چنین محیط‌هایی چراغ نبوغ و استعدادها خاموش نمیشود بلکه زمینه پرورش و استعدادها و بشمر رسیدن نیروهای ذخیره ، کاملاً آماده است ، زیرا علم و کار ارزش واقعی خود را بدست می آورد ، و شخصیت‌های لایق و برجسته بخوبی شناخته خواهند شد .

ولی متأسفانه بسیاری از دستگاههای مطبوعاتی ما که وظیفه ارشادی و پرورشی بعهده دارند و هدفشان باید تنویر افکار عمومی و بالا بردن سطح معارف مردم و توجه دادن آنها بمسائل واقعی زندگی باشد غالباً بتشویق از اموری میپردازند که موجب پائین آمدن سطح افکار عمومی و توجه بامور بی ارزش و

برعکس مانع بزرگ راه پیشرفت و تکامل جامعه ، بخل از تشویق و خودداری از آن است که از شکوفایی شدن غنچه‌های استعداد و نیروهای نهفته مردم جلو گیری نموده و سبب میشود فمالت و ابتکار ، جای خود را به رخوت و سستی و انزوا طلبی بسپارد .

جوانانی که از لحاظ عقل و احساس بمرحله حساسی رسیده و در آستانه استقلال زندگی قرار میگیرند ، برای پیشرفت و افزایش تلاش و فعالیتشان بیش از هر چیز بقدردانی و تشویق نیازمندند .

بزرگترین ضرر به یکباره بر نیروهای خلاقه جوانان وارد میشود تحقیر شخصیت و بی اعتنائی بکارها و ارزشهای واقعی آنها است ، زیرا وقتی احساس کنند مردم بکار و اقدامات آنان بی توجهند ، و نتیجه تلاش و زحماتشان اصلاً بحساب نمی آید و فاقد ارزش است ، بسختی ناراحت شده نیروهای در حال رشد آنها بیک نوع رکود و توقف دچار می گردند ؛ و حس اعتماد و امید بآینده در زوایای قلبشان میمیرد ، و چون غریزه « تأمین روحی » آنان ارضاء نمیشود در معرض ابتلاء به بیماریهای روانی قرار خواهند گرفت ، زیرا وقتی میلی ارضاء نگردد مطابق قانون معروف روانی ، در قسمت نا آگاه ذهن مدفون گردیده و عقده نامطلوبی تشکیل میدهد که روح و جان را میکاهد .

گذشته از این وقتی صاحبان علم و هنر واقعی دریافته اند که نمیتوانند با ارائه دادن نتیجه کوششها و زحمات خویش ارزش و موقعیتی در جامعه بدست آورند ، ممکن است احساسات شکست خورده ، جریان اندیشه‌ها و فعالیت‌هایشان را بکلی تغییر دهد و

حق کشی و رفتار غیر عادلانه است که موجب بسته شدن راه تحول و ابتکار می شود؛ و چه بسا در اثر همین نقطه ضعف اجتماع، نیرومندترین افراد هم از کار خود دل سرد و نا امید گردند.

حتی در مواقعی که کار نیک و وظیفه کسی است قابل تحسین و تقدیر است، و باید وظیفه شناس مورد تقدیر و سپاس قرار گیرد تا دل بستگی بیشتری به وظائف خود پیدا کند، و با قاطعیت و پشتکار و شور و علاقه بیشتری تکالیف و وظائف خود را دنبال نماید.

نگارنده چند سال پیش در یکی از شهرهای معروف ایران بودم. روزی شبکه برق منطقه سکونت ما دچار نقص فنی شد من تلفنی با مدیر عامل شرکت تماس گرفتم و از وی درخواست کردم نسبت بترمیم نقص مزبور اقدام کند، بعد از مدت نسبتاً طولانی نقص شبکه اصلاح شد. من مجدداً وسیله تلفن با مدیر عامل یادشده صحبت نموده و از او بخواه اقدامش تشکر و قدردانی نمودم؛ مدیر عامل که در ابتدای مکالمه آثار گرفتگی و ناراحتی از صدایش می بارید پس از شنیدن سخنان تشکر آمیز من آنچنان تحت تأثیر قرار گرفت که بطور محسوس صدایش بار شد، و با شور و اشتیاق فراوان آمیخته با حیرت و شوک فنی پرسید: شما کیستید که از من تشکر میکنید؛ از موقعی که من سرپرستی این شرکت را به عهده گرفته ام این نخستین بار است که از من قدردانی میشود!! در پاسخ گفتم متأسفانه یا خوشبختانه اهل این شهر نیستم و این قدردانی بخاطر وظیفه ای بوده که شما انجام داده اید، سپس اظهار علاقه کرد که از نزدیک با من تماس داشته باشد، از آن

بالاخره ترویج ابتدال خواهد شد، در حالی که اصولاً از تشویق صاحبان دانش و فضیلت و ارزشهای واقعی خبری نیست.

کسانی که دارای ذوقی سلیم و دلی مهربان و فکری باهستند هر کار نیک و اقدام مثبتی از ناحیه هر کس مشاهده کنند، زبان بمدح و ستایش می گشایند، ولی برخی دیگر حتی از ذکر مزایای نزدیکترین دوستان خود بشدت بخل میورزند، و بهیچ روی حاضر نیستند امتیازات و شایستگیهای آنها را بزبان آورده از خدمات و اقدامات ارزنده شان تمجید و تحسین کنند. و در بسیاری از موارد نه تنها حالت بی تفاوتی بخود میگیرند، بلکه ممکن است افکار کوتاه و حسادت و کینه توزی، منتهی به پیش گرفتن رفتار نامطلوب و خصمانه ای نسبت بدیگران گردد.

### در مقابل ایرادگیری و نفی شخصیت، یکی

از بزرگترین عیوب و نقایص اجتماع ما است که بطور کامل در میان طبقات مختلف رواج دارد، هر کس دست بابتکاری بزند و کار تازه ای آغاز کند، بلافاصله از هر سومورد اعتراض و انتقاد هر گروه و دسته ای گرچه هیچگونه صلاحیتی هم در قضاوت و اظهار نظر نداشته باشند، قرار میگیرد، و بدون دقت و مطالعه سیل انتقاد است که بسویش سرازیر میشود.

### بی شک انتقاد اصولی و صحیح خود یکی

از راههایی است که برای اصلاح جامعه مفید و سودمند است؛ ولی بدبختی اینجاست که غالب انتقادات بدون مطالعه و بررسی است که خودیکنوع

دلبستگی بارزش کار آنها بپردازند ، و همدنی جز بجلوراندن و گشودن راه پیشرفت اشخاص نداشته باشند .

یکی از نویسندگان و شخصیت‌های اجتماعی ایران میگوید : « اندك اندك برای من بصورت قانون درآمد است که هر کس از من دیدن کند ، و زبان بمدح من یاستایش نوشته‌ها و آثارم گشاید ، بی - درنك از من خواهشی دارد ، توصیه و سفارشی میخواهد آگاهی و اطلاع برامری ، و سبیل من برایش ضرورت پیدا کرده است ، و یا بالاخره توقع کمکی دیگر دارد : هنوز هیچکس تنها بخاطر تشویق من ؛ از من دیدن نکرده است . سپس اضافه میکند : راستی مایه اندوه و حسرت است که اکثر نویسندگان و گویندگان و سخنوران بنام جهان مترقی ، گاه روزانه ده‌ها نامه دریافت میدارند که نگارندگان آنها بدون هیچ شائبه و تقاضا ، تنها بخاطر دلبستگی به آثار آنان ، بابر از احساسات پاک و حقیقت‌شناسی و تقدیر و سپاس از آنان می‌پردازند . در صورتیکه در ایران ما کمتر سخنران یا گوینده و نویسنده‌ای است که اینگونه خالی از غرض و بدون هیچگونه انتظار مورد تشویق قرار گیرد... »!

بعد هر گاه نقی در شبکه فرسوده آن منطقه پیش می‌آمد همین که مراتب را باطلاع وی میرساندم ، بیدرنك با علاقه و اشتیاق در رفع نقایص موجود اقدام میکرد ، و در مدت کوتاهی ترمیم میشد ، ضمن تحقیقی که بعمل آوردم متوجه شدم این شخص سال - های متمادی است در رأس شرکتی قرار دارد که حتی برای یکبار هم در این مدت طولانی از زحمات او قدردانی نشده است !!!

باید بخاطر داشت که تشویق و قدرشناسی هم با همه ثمرات و نتایج سودبخش و تحول انگیزی که در بر دارد ، دارای حد و مرزی است ، و نباید از حد معقول و منطقی خود تجاوز کند ، همانطوریکه بی تفاوتی نسبت با اقدامات مثبت و سازنده افراد ؛ بر کود استعدادهای میانجامد ، زیاده روی و افراط در تحسین و تقدیر نیز همان تملق و چاپلوسی مذموم و زیا نبار است ، و بکنوع فاصله گرفتن از واقعیات می‌باشد .

روح چاپلوسی و تملق هم یکی دیگر از عیوب چشمگیر اجتماع کنونی است ، که بطرزی وحشت - انگیز در بسیاری از شئون جامعه ما رخنه کرده . و کمتر افرادی را میتوان یافت که بابر از حقیقت‌شناسی و سپاس ؛ تنها بخاطر تقویت روحیه دیگران و

